

تحلیل سیاست پژوهانه قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور

(قلی پور. رحمت الله)^۱. (و ثوقی نیری. عبدالله)^{۲*}

۱- دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- هیئت علمی دانشگاه هوایی شهید ستاری، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۱/۳۰)

چکیده

از آنجا که دانایی، نیروی محرکه رشد و ایجاد ثروت در دنیای امروز است و بیش از عوامل سنتی، نظیر کار و سرمایه، در توسعه ملی نقش دارد، آموزش عالی به عنوان نهادی کلیدی، مورد توجه خاص ملت‌ها و دولت‌ها است. در ایران گزینش دانشجو و نحوه انتخاب دانشجویانی که بتوانند در آینده چرخ‌های عظیم پیشرفت و ترقی جامعه را بگردانند، مسأله حائز اهمیتی است. در این مقاله قانون سنجش و پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی کشور به روش سیاست تطبیقی پویا و رویه‌های پنج‌گانه که از روش‌های کیفی می‌باشد تحلیل گردید. برابر نتایج تحلیل، ایجاد ظرفیت لازم با توجه به آمایش سرزمینی (تنوع، توزیع و تعداد)، ارتقاء کیفیت و کمیت متوازن آموزشی و پژوهشی، توسعه و رشد متوازن کمی و کیفی علوم و پژوهش‌ها، همسو ساختن سیاست‌های توسعه صنعتی و اقتصادی با سیاست‌های ملی نوآوری، فناوری و علم، افزایش سهم نوآوری‌های مبتنی بر فناوری در تولید ناخالص داخلی، تعامل سازنده با مراکز پیشرفته علمی و فناوری جهان، توسعه علم، فناوری و نوآوری با هدف افزایش اقتدار ملی، تأمین منابع مالی لازم، توسعه شرکت‌های دانش بنیان و ایجاد زمینه اشتغال از ارکان اصلی توسعه آموزش عالی پیشرفت‌محور می‌باشد که در قانون اخیر به این عوامل توجه نگردیده است. با توجه به نتایج تحلیل، فقدان ظرفیت کافی در نظام پذیرش دانشجو برای سنجش دانش و توانایی حقیقی داوطلبان و سازمان‌دهی آنان در رشته‌های تحصیلی مرتبط، چند بعدی است که یک بعد آن به روش آزمون فعلی بر می‌گردد. دلیل این‌که سیاست‌های تدوینی و تصویبی در حوزه پذیرش دانشجو نتوانسته نظامی جامع برای این حوزه تعریف کند، ناقص بودن فرآیند سیاست‌گذاری می‌باشد به این معنا که مسئله به درستی شناسایی نشده است و زمانی که تشخیص مسئله صحیح نباشد راه حل‌ها با مسئله سازگاری نخواهد داشت.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، پذیرش دانشجو، سیاست تطبیقی پویا

۱- مقدمه

امروزه نظام آموزش عالی در دنیا، به‌ویژه پس از مطرح شدن نقش و جایگاه سرمایه انسانی در پیشبرد اهداف توسعه و رشد اقتصادی، به یکی از مهم‌ترین مسائل کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه بدل شده است. پیشرفت کشورها در گرو تربیت انسان‌های کارآمد و به‌کارگیری قابلیت‌های آن‌ها است. اندیشه انسان‌های خلاق و باانگیزه گنجینه‌ای گران‌بها است که در صورت توجه و بهره‌برداری درست از آن، توسعه پایدار حاصل خواهد شد. در این راستا می‌توان گفت دانشگاه‌ها عقل منفصل جامعه هستند و از آن‌ها انتظار می‌رود که نقش راهبردی توسعه مبتنی بر دانایی را ایفا کنند. چنانچه در نتیجه بی‌توجهی به نیروی انسانی کارآمد، چنین ثروت عظیمی را به‌راحتی از دست دهیم، زیان حاصل جبران‌پذیر نبوده و نتایج آن در تمام ابعاد توسعه کشور مشاهده خواهد شد. در شرایط کنونی رقابت در مقیاس جهانی روز به روز و با شتاب افزایش می‌یابد. زندگی عمیق‌تر از هر زمان دیگر بر دانایی مبتنی گردیده و توسعه « دانش بنیان » شرط بقا شده است. دانایی موتور اصلی رشد و ایجاد ثروت در دنیای امروز است و بیش از عوامل سنتی، نظیر کار و سرمایه، در توسعه ملی نقش دارد. در دو دهه گذشته، تغییرات اقتصادی - اجتماعی، سرعت گسترش اطلاعات و تغییرات فناوری‌ها و جهانی شدن اقتصاد (بازرگان، ۱۳۷۷، ۱۲۵) از یک‌سو، و عدم تناسب محتوای برنامه‌های آموزشی با نیازهای جامعه و مطلوب نبودن سطح دانش و مهارت‌های اکتسابی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها از سوی دیگر، نظام آموزش عالی را وارد دوران جدیدی کرده است (اولیا، ۱۳۷۸، ۳۰).

قطعا آموزش عالی یک کالای تجملاتی نبوده و شرط اساسی برای بقای کشورها است (تایلاک، ۲۰۰۰، ۳۸). در کشورهای در حال توسعه دانشگاه‌ها تقریباً تنها موسساتی هستند که قادرند در نیروی کار خود ظرفیت سرمایه دانش ایجاد کنند و نیز تنها مؤسساتی هستند که می‌توانند از اقتصاد دانش‌پایه حمایت و در زمینه زایش دانش نو و انتقال فناوری‌های جدید فعالیت کنند (تندرای، ۲۰۰۴، ۲۰). البته دانشگاه با آموزشی کیفیت‌محور از دیدگاه محققان به‌صورت برتری در آموزش (پیترز و واترمن، ۱۹۸۲) ارزش افزوده در آموزش، تناسب با هدف، تناسب با نتیجه و تجربه آموزشی در عمل مطابقت نتایج آموزشی با اهداف برنامه‌ریزی شده، ویژگی‌ها و نیازها (کراسبی، ۱۹۷۹)، اجتناب از نواقص در فرایند آموزش، برآوردن و فراتر رفتن از انتظارات مشتریان آموزش (پاراسورامن، ۱۹۸۵، ۴۱) تعریف شده‌است. چنین دانشگاهی می‌تواند موجبات رضایت‌مندی

مشتریان یا ذی‌نفعان آموزشی را فراهم نماید که می‌توان مشتریان یا ذی‌نفعان آموزشی را در گروه‌های مختلفی که به فرایند آموزش مرتبط می‌شوند، تقسیم کرد که شامل دانشجویان، کارکنان (آموزشی و غیرآموزشی)، کارفرمایان، دولت، صنعت و خانواده‌ها می‌شود (فارو کونال، ۲۰۰۰).

به‌طور کلی، همه مشتریان درونی و بیرونی زنجیروار به یک‌دیگر مرتبط هستند (هویت و کلایتون، ۱۹۹۹، ۸۳۹). از دیدگاه بسیاری از پژوهشگران، دانشجویان و اعضای هیئت علمی مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشتریان درونی نظام آموزشی را تشکیل می‌دهند (کرفت، ۲۰۰۳).

افزایش داوطلبان برای تحصیلات عالی، گسترش مراکز آموزشی را ضروری می‌نماید. محدودیت ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها، بیکاری دانش‌آموختگان، فرار مغزها و ... ضرورت انتخاب شایسته‌ترین افراد از میان متقاضیان ورود به مؤسسات آموزش عالی را مطرح می‌کند. این امر به نوبه خود باعث ایجاد حساسیت بالایی نسبت به عملکرد آموزش عالی در عامه مردم و دولت شده است. افراد، گروه‌ها و جوامع قضاوت خود درباره خطمشی را بر پایه مقاصد خوب این خطمشی‌ها بنیان می‌نهند نه اثرات ملموس آن. امروزه وضعیت ذهنی یک ملت به اندازه وضعیت عینی آن ملت اهمیت دارد (دای، ۲۰۰۵). همه توقع دارند تا با فرایندی کاملاً مناسب، مستعدترین و توانمندترین داوطلبان جذب مراکز دانشگاهی شوند تا هدف‌های متعالی آموزش عالی به آسانی محقق گردد. این امر به‌اندازه ای مهم و جدی است که موجب می‌شود تا شیوه‌های پذیرش دانشجو در آموزش عالی کشورمان همواره مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.

چنین اهمیت و ضرورتی موجب حساسیت و احساس سریع مشکلات و مسائل موجود در عرصه نظام آموزش عالی باعث واکنش مشتریان و ذی‌نفعان آموزشی و در دستور کار قرار گرفتن و تصویب قوانین و ارائه نسخه‌های سیاستی در این حوزه گردیده است تا صحیح‌ترین و مناسب‌ترین شکل و محتوا را بدست آورد. در حقیقت خطمشی‌ها نشان می‌دهند که دولت به چه چیزهایی اهمیت می‌دهد (دای، ۲۰۰۵). یکی از قوانینی که در این عرصه اخیراً تصویب گردید، قانون پذیرش دانشجو می‌باشد که در این مقاله سعی گردیده است به تحلیل سیاست‌پژوهانه^۱ این قانون پرداخته شود.

۲- مروری بر مبانی نظری

آموزش عالی با پیشینه‌ای به قدمت بیش از هشت سده به‌عنوان نهادی کلیدی، مورد توجه خاص ملت‌ها و دولت‌ها است. دستیابی به فناوری‌های جدید و دانش پیشرفته که می‌تواند نقش مؤثری در تحقق و شتاب حرکت اجتماعی و اقتصادی ملل ایفا کند، صرفاً با تقویت آموزش عالی و برنامه‌ریزی ارتقای کمی و کیفی آن میسر است (قورچیان و آراسته، ۱۳۸۳) در کشورهای در حال توسعه که نیازها با سرعت و شدت قابل توجهی تغییر می‌کند، کمبود نیروی انسانی متخصص به صورت تنگنایی در مسیر رشد اقتصادی قرار می‌گیرد و مسائل پیچیده‌ای را در بازار کار به‌وجود می‌آورد. برای رفع این تنگنا باید گزینش دانشجو و برنامه‌های نظام آموزشی به اندازه کافی حساب شده و دقیق باشند تا بتوانند نظام آموزش عالی را براساس احتیاجات جامعه به نیروی انسانی متخصص تنظیم کنند (مجتهدی، ۱۳۷۳). امروزه با افزایش تقاضای اجتماعی برای دسترسی به آموزش عالی و نیاز به نیروی انسانی ماهر برای زنجیره گسترده‌ای از مشاغل جدید و پیشرفته، ضرورت انتخاب بهترین‌ها برای ورود به آموزش عالی مطرح می‌شود. یکی از علل اساسی افزایش تقاضا برای ورود به نظام آموزش عالی افزایش سطح کیفی و تقسیم کار و پیچیدگی روزافزون مهارت‌ها و حرفه‌ها است. این تغییرات منحصر به جامعه ایران نیست بلکه می‌توان گفت این افزایش در ایران تابعی از افزایش در سطح جهانی است (رحیمی و آقابابا، ۱۳۸۴). نظام آموزش عالی در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته از جمله ایران تحت فشارهای دوسویه قرار دارد؛ از یک طرف فشار ناشی از تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه و نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی به نیروی متخصص است که بسط آموزش عالی را خواستار هستند و از سوی دیگر، کمبود منابع مالی و امکانات مورد نیاز برای گسترش آموزش عالی است که محدودیت و انقباض آن را در پی دارد. معمولاً دلایل گسترش آموزش عالی و افزایش دانشجو را می‌توان در چهار حوزه دسته بندی کرد؛ ۱- دلایل حقوقی و قانونی ۲- دلایل اقتصادی ۳- دلایل عدالت‌خواهانه ۴- پاسخ به تقاضای اجتماعی (روشن، ۱۳۸۹، ۹۷).

در ایران گزینش دانشجو و نحوه انتخاب دانشجویانی که بتوانند در آینده چرخ‌های عظیم پیشرفت و ترقی جامعه را بگردانند همچنان مطرح و مورد نظر می‌باشد. در این رابطه مسئولان و دست‌اندرکاران امر آموزش عالی می‌کوشند تا با انتخاب شیوه‌های مناسب به گزینش هر چه بیشتر دانشجویان مستعد اقدام نمایند. اما وجود پاره‌ای از مسائل میان ارگان‌های دست‌اندرکار این خواسته را دستخوش

تغییرات متناوب ساخته و داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها را دچار سردرگمی و مشکلات گوناگون می‌سازد (عرب مازار، ۱۳۷۱).

۲-۱- پیشینه تحقیق

۲-۱-۱- شیوه‌های پذیرش دانشجو در خارج از کشور

در طول حیات آموزش عالی، دانشگاه‌های مختلف در خارج از کشور شیوه‌های گوناگونی را برای پذیرش دانشجو به کار برده، از جمله؛

الف- شیوه برگزاری آزمون ورودی؛ بسیاری از کشورها به دلیل افزایش داوطلبان برای ورود به دانشگاه‌ها، ناگزیر به منظور حذف تعداد مازاد بر ظرفیت که بعضی آن را «انتخاب بهترین‌ها» می‌نامند، آزمون برگزار می‌کنند. این آزمون می‌تواند به صورت متمرکز (سراسری) یا به صورت غیرمتمرکز (رأساً توسط دانشگاه) و یا تلفیقی از هر دو صورت انجام پذیرد (نیک‌نژاد، ۱۳۸۱).

ب- شیوه بدون آزمون ورودی؛ پذیرش دانشجو بدون آزمون ورودی براساس بررسی سوابق تحصیلی دوران متوسطه یا بدون در نظر گرفتن سوابق صورت می‌پذیرد (مانند کانادا، امریکا، امارت، کویت، ...)

ج- سایر شیوه‌ها؛ در برخی از کشورها پذیرش دانشجو به شیوه‌های دیگری نیز انجام می‌پذیرد، از جمله؛

- آزمون هوش و استعداد تحصیلی، نمره آیلتس، تافل و دیپلم متوسطه (مانند انگلستان، سوئد، ارمنستان، ...)

- امتحان مقدماتی عالی، امتحان تجاری عالی، امتحان فنی عالی و داشتن دیپلم متوسطه (دانمارک)

- شرکت در امتحان تخصص و داشتن دیپلم متوسطه (فرانسه)

هارمن، در زمینه پذیرش دانشجو در آموزش عالی، به بررسی سیاست‌ها و روش‌های معمول در کشورهای در حال توسعه و تازه صنعتی شده منطقه آسیا پرداخته است. تمرکز اصلی وی بر مقطع کارشناسی در مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی با تأکید خاص بر مسئله دسترسی، برابری و ارتباط با بازار کار بود. هارمن معتقد است دلایل نگرانی مربوط به سیاست‌ها و شیوه‌های گزینش تا اندازه‌ای در کشورهای مختلف منطقه آسیا با یکدیگر متفاوت است. از جمله؛ ناکارآمدی روش‌های

پذیرش دانشجو، ورود داوطلبان فاقد توانایی علمی به مراکز آموزش عالی، فقدان هماهنگی کارآمد در سیاست‌ها و روش‌های پذیرش سازمان‌های دولتی و موسسات آموزش عالی، تضعیف کیفیت آموزشی و یادگیری در آموزش عالی به دلیل گسترش وسیع و بیش از اندازه دانشجویان ثبت نام شده، معیارهای ناعادلانه و جانب‌دارانه‌گزینشی، عدم توازن مابین بازده آموزش عالی و نیاز بازارهای کار، نگرانی درخصوص کیفیت نازل آموزش‌های دبیرستانی (هارمان، ۱۹۹۴).

حجازی در پژوهش خود به منظور ارائه الگوی مناسب پذیرش دانشجو تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام‌گزینش دانشجو در ایران و کشورهای آلمان، ژاپن و انگلستان را بیان کرده است. برخی از نتایج این تحقیق عبارتند از؛ روش برگزاری آزمون، توجه به پیشینه تحصیلی، استفاده از سهمیه، تنوع در شیوه‌گزینش، استقلال عمل دانشگاه‌ها در گزینش دانشجو، عدم وجود شرط سنی برای ورود به دانشگاه، رقابت شدید برای پذیرش در دانشگاه‌های معتبر، توجه ویژه به دروس دبیرستان و پیروی از نظریه انتخاب اصلح دانشجو (حجازی، ۱۳۸۶).

دان، تحقیقی با عنوان «اجرای سیاست‌های استانداردهای پذیرش در دانشکده‌های دولتی ماساچوست» در امریکا انجام داده است. وی در این تحقیق ضمن تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به ثبت نام دانشجویان، با ۱۲ تن از مشاوران دانشگاه و دست‌اندرکاران بخش پذیرش دانشکده‌ها مصاحبه نموده و از آنان در مورد نحوه اجرای این سیاست‌ها و اثرات مربوط به آن در رویه‌های پذیرش دانشجو نظرسنجی به عمل آورده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که: پراکندگی نمرات دانشجویان، میزان ثبت نام دانشجویی و میانگین امتیاز نمره‌ای تحت تأثیر اجرای سیاست‌های جدید قرار گرفته است و در نتیجه میزان ماندگاری افراد در دانشکده‌های دولتی افزایش یافته است، دانشجویانی که با حداقل نمره میانگین پذیرش شده بودند نیاز به گذراندن دروس جبرانی داشتند، دانشکده‌ها از لحاظ مقبولیت‌شان و نیز اجرای شرایط جدید سیاست‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند (دان و سالم، ۲۰۰۱).

در مطالعه دیگری شیوه‌گزینش کشورهای دیگر در سه روش کلی گزینشی، رقابتی و آزاد جمع‌بندی و ارائه گردیده است (دفتر امور زیر بنایی، ۱۳۸۰).

جدول ۱- شیوه‌گزینش دانشجو در برخی کشورها

موضوع نام کشور	شیوه‌گزینش	انجام نوع آزمون	جذب دانشجو در دانشگاه‌ها	ملاحظات
ژاپن	رقابتی	توسط دفتر آزمون ورودی دانشگاه‌ها انجام می‌گیرد.	دانشگاه‌ها خود نیز به انجام آزمون اقدام می‌کنند.	دروس مورد توجه: زبان ژاپنی، ریاضی، علوم اجتماعی، علوم تجربی و زبان خارجی
کانادا	آزاد	-	برخی دانشگاه‌ها آزمون دارند.	دانشگاه‌ها در جذب دانشجو آزادی عمل دارند و اکثراً بر اساس معدل دانشجو انتخاب می‌کنند.
ایالات متحده آمریکا	آزاد - گزینشی	شیوه‌گزینش دانشجو در دانشگاه‌ها متفاوت است. بعضی از آن‌ها آزمون دارند.	دانشگاه‌ها برای جذب دانشجو حد نصابی برای نمرات درسی در نظر می گیرند	-
ایتالیا	آزاد - گزینشی	-	بعضی دانشگاه‌ها آزمون استعداد تحصیلی می‌گیرند.	-
کره	رقابتی	آزمون سراسری به عمل می‌آید.	دانشگاه‌ها خود نیز آزمون دارند.	-
ایرلند	رقابتی	آزمون سراسری	دانشگاه‌ها برای دوره های تکمیلی خود آزمون به عمل می آورند.	-
ایران	رقابتی	آزمون سراسری	دانشگاه‌ها هیچگونه اختیاری در گزینش دانشجو ندارند.	کلیه دروس

۲-۱-۲ شیوه پذیرش دانشجو در ایران

نظام پذیرش دانشجو در ایران طی سال های گذشته همواره دستخوش تغییر و تحولات جدی بوده است. این تغییرات از یکسو سبب شد تا ضمن مطالعه نظام های نوین سنجش و به کارگیری آن در ایران رشد چشم گیری در روش های برگزاری آزمون حاصل شود، اما از سوی دیگر تأثیرات و پیامدهای منفی نیز بر نظام های آموزشی، جوانان و خانواده های آنان به جای گذاشته است. پیامدهایی که البته زمان زیادی برای جبران لازم دارد. برخی از عمده ترین آن ها عبارت اند از؛ آسیب بر آموزش و پرورش کشور، آسیب بر سلامت جسمانی و روانی دانش آموزان و خانواده ها، آسیب های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از قبیل؛ افزایش نگرانی و تنش اجتماعی و خانوادگی، مدرک گرایی و بهای دادن بیش از حد به تحصیلات دانشگاهی و قبولی در کنکور، رواج برخی مهارت های کاذب مانند تست زنی، دامن زدن به فاصله طبقاتی و محروم شدن برخی دانش آموزان از تحصیل در دانشگاه ها به علت نداشتن تمکن مالی برای شرکت در کلاس های کنکور.

شکل گیری دانشگاه ها با اعزام و جذب اساتید خارجی در سال ۱۲۶۶ و تأسیس دارالفنون و راه اندازی برخی دانشگاه ها از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ به صورت فعلی شکل گرفت (قلی پور و آقابزرگی، ۱۳۸۶). تا وقتی که تقاضای ورود به آموزش عالی در رشته های مختلف کمتر از ظرفیت پذیرش دانشگاه ها بوده، نیازی به برگزاری آزمون های ورودی دانشگاه ها نبوده است و اکثر کسانی که دارای دیپلم متوسطه بودند بر حسب علاقه و انتخاب رشته مورد نظر وارد دانشگاه می شدند. عدم تناسب بین ظرفیت و تقاضا برای ورود به مراکز آموزش عالی، در مورد بعضی از رشته ها که در جامعه از موقعیت اجتماعی بهتری برخوردار بودند، باعث گردید که برای نخستین بار در سال ۱۳۴۲ آزمون ورودی برای تعدادی از دانشکده های دانشگاه تهران صورت گیرد. این روش انتخاب دانشجو در عین حال که اعضای هیأت علمی دانشکده را راضی می نمود، ولی دارای معایبی بوده است. اولین آزمون ورودی سراسری دانشگاه ها در سال ۱۳۴۲ برگزار شد. سازمان سنجش در سال ۱۳۵۴ تأسیس گردید. وظیفه تعیین ضوابط ورود دانشجویان به دانشگاه ها پس از تشکیل سازمان سنجش را می توان در وظایف ستاد انقلاب فرهنگی ۱۳۵۹ رصد نمود. بعد از آن تغییرات مختلفی در سهمیه ها به مرور در این قانون مشاهده می شود و با توجه به کمبود ظرفیت برگزاری کنکور به شیوه گزینشی ادامه می یابد (قلی پور و آقابزرگی، ۱۳۸۶).

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۶، وزارت علوم را مکلف به تشکیل کمیته مطالعه و برنامه‌ریزی آزمون ورودی دانشگاه‌ها کرده است. همچنین در سال ۱۳۷۲ همین شورا، سازمان سنجش را به ارائه طرحی برای بهبود و ارتقای شیوه پذیرش در دانشگاه‌ها ملزم کرد. اما با وجود تدوین و تصویب قوانین پی‌درپی، هر روز مشکلات بیشتر شده است، به‌طوری‌که در بند "ج" ماده (۴۸) قانون برنامه چهارم توسعه، در راستای اهداف سند چشم‌انداز، دولت موظف به اتخاذ تدابیر لازم در جهت اصلاح نظام آموزش کشور و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، با توجه به سوابق تحصیلی در سنوات دوره متوسطه و جلب مشارکت دانشگاه‌ها به منظور ارتقای توانایی، خلاقیت و نوآوری، خطرپذیری و کارآفرینی آموزش گیرندگان و ایجاد روحیه آموختن و پژوهش مستقل در میان نسل جوان شده است. بر اساس قانونی، که به قانون حذف کنکور شهرت یافت، دولت موظف گردید تا پایان سال اول قانون برنامه پنجم توسعه، آزمون‌های سراسری ورودی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را به‌طور کامل حذف نماید، که با وجود گذشت چند سال از تصویب آن، اجرا نگردید. آخرین «قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» در سال ۱۳۹۲ تصویب و به وزارت‌خانه‌های ذی‌ربط ابلاغ گردید.

جدول ۲- بررسی قانون پذیرش دانشجو مصوب ۱۳۹۲

عنوان	توضیح
سابقه تحصیلی	نمرات دروس سه سال آخر دوره متوسطه است که امتحانات آن مطابق اصول سنجش و اندازه‌گیری توسط وزارت آموزش و پرورش به صورت سراسری، نهائی و استاندارد مطابق مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش برگزار شده باشد.
آزمون عمومی	آزمون سراسری از میان دروس عمومی رشته‌های تحصیلی در سه سال آخر دوره آموزش متوسطه است که توسط سازمان سنجش آموزش کشور برگزار می‌شود.
آزمون اختصاصی	آزمون سراسری از میان دروس تخصصی رشته‌های تحصیلی در سه سال آخر دوره متوسطه است که توسط سازمان سنجش آموزش کشور برگزار می‌شود.
رشته محل	رشته‌های تحصیلی که داوطلب براساس محل تحصیل (دانشگاهها و مراکز آموزش عالی) انتخاب می‌کند و به ادامه تحصیل می‌پردازد.
پذیرش دانشجو	پذیرش دانشجو در دانشگاهها به روش ظرفیت رشته - محل و تقاضای داوطلبان بر اساس «سابقه تحصیلی» یا «سابقه تحصیلی و آزمون عمومی یا عمومی - اختصاصی» صورت

می‌گیرد.	
وزارت آموزش و پرورش مسئولیت ارائه سابقه تحصیلی برای دانش‌آموزان و متقاضیان ورود به دانشگاه را بر عهده دارد. وزارت آموزش و پرورش موظف است در اجرای این تبصره تغییرات لازم را در تشکیلات اداری خود به تصویب مراجع ذی‌ربط برساند.	وزارت آموزش و پرورش
سازمان سنجش آموزش کشور مسئولیت سنجش داوطلبان را بر عهده دارد.	سازمان سنجش آموزش کشور
تعیین روش پذیرش دانشجو در دانشگاه براساس ظرفیت رشته محل‌ها و تقاضای داوطلبان به صورت سالانه تعیین و از طریق سازمان سنجش آموزش کشور قبل از ثبت‌نام اعلام می‌گردد.	روش پذیرش دانشجو
در پذیرش دانشجو تأثیر سابقه تحصیلی سالانه به صورت تدریجی و صعودی است و پس از پنج سال حداقل هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) ظرفیت پذیرش دانشجو در کل کشور بر مبنای سابقه تحصیلی خواهد بود. که در سال اول اجرای این قانون تأثیر سابقه تحصیلی در پذیرش داوطلبانی که دارای سابقه تحصیلی می‌باشند حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) می‌باشد.	تأثیر سابقه تحصیلی
دانشگاه‌ها می‌توانند حد نصاب نمره لازم جهت پذیرش در رشته محل‌های خود را به «شورا» پیشنهاد دهند و در صورت تصویب نسبت به پذیرش دانشجو اقدام شود. وظیفه هماهنگی در امر پذیرش بر عهده سازمان سنجش آموزش کشور است.	دانشگاه‌ها

۳- روش پژوهش

روش‌شناسی، مجموعه‌ای از معیارها، قوانین و رویه‌هاست که برای ایجاد، برآورد و ارزیابی موشکافانه و انتقال دانش خط مشی به کار می‌رود. روش‌شناسی، در این معنی، بسیار نزدیک به آن دسته از فعالیت‌های عقلانی و عملی است که جان دیویی آن را منطق کندوکاو (یعنی، «شناخت عملکرد انسان در حل مشکلات») نامیده است (دان، ۲۰۱۲).

در این مقاله از روش سیاست تطبیقی پویا که یک روش پایش‌محور که مشابه هدایت یک کشتی در سفر طولانی از طریق اقیانوس است بر اساس رویه‌های کلی تحلیل خط مشی استفاده شده است. در این روش هدف، رسیدن به مقصدی است که در آغاز این سفر تنظیم شده است. اما، در طول راه، طوفان‌های غیرقابل پیش‌بینی و ترافیک‌های دیگر ممکن است تداخل مسیر را ایجاد نماید. بنابراین،

سیاست‌های خاص مسیر در طول سفر تغییر خواهد کرد. نکته مهم این است که هدف نهایی بدون تغییر باقی می‌ماند (اگر هدف تغییر کند، یک طرح کاملاً جدید باید توسعه یابد) وجود ویژگی‌های مختلف، عدم اطمینان محیطی، پویایی شرایط خط مشی، درک مشکل اساسی، بازیگران درگیر و ویژگی‌های نهادی و نداشتن دانش کافی باعث نیازمندی به پایش مستمر می‌گردد (پیترز و واترمن، ۱۹۸۲). پس از شناسایی مشکل در دومین مرحله از این رویکرد که انتخاب یک خط مشی اساسی است، دو مرحله وجود دارد یکی شناسایی مشخصات سیاست و دیگری شناسایی شرایط اصلی مورد نیاز برای موفقیت خط‌مشی که در مرحله سوم برای راه اندازی یک سیستم پایش برای ارائه پیش هشدار در مورد تغییر شرایط و امکان شکست سیاست استفاده می‌شود. نقطه شروع برای شناسایی علائم راهنمایی مجموعه‌ای از آسیب‌پذیری‌ها و فرصت‌های مشخص شده در مرحله سوم است. چهار نوع از اقداماتی است که می‌تواند توسط یک تابلو اعلان در سیاست تطبیقی پویا به وجود آید عبارتند از؛

اقدامات دفاعی، اقدامات اصلاحی، اقدامات سرمایه‌گذاری، ارزیابی مجدد (واکر و مارکاو، ۲۰۱۳، ۲۱۵).

۴- یافته‌ها

۴-۱- اهداف تحلیل خط‌مشی

- الف- خط‌مشی گذاران، دولت و عامه مردم باید از عهده مشکلات پیچیده برآیند.
- ب- خط‌مشی گذاران آن را برای نشان دادن عقلانیت و مقبولیت جایگاهشان و فعالیت‌هایشان مطلوب یافته‌اند و تحلیل خط‌مشی روندکارشان را قابل قبول و مناسب می‌سازد.
- ج- مسئولان خط‌مشی برای تحقیقات مستقل و تجزیه و تحلیل به عنوان ابزاری برای افزایش دانش و مهارت درون دولت ارزش قائل‌اند و به تحلیل به‌عنوان فعالیت مورد علاقه خط‌مشی‌مداران و شهروندان می‌نگرند.
- د- ذی‌نفعان باور دارند که آن‌ها چرخ‌های دولت هستند و لذا دیدگاه‌شان را گسترش می‌دهند و دلایل خود را ارائه می‌دهد (کرفت، ۲۰۰۳). که این پژوهش به دنبال آگاهی بخشی و تحقق هدف اول می‌باشد.

۲-۴- رویه‌های کلی در تحلیل خط مشی

الف - سازماندهی مشکل (تعریف)؛ اطلاعاتی را فراهم می‌سازد که با استفاده از آن می‌توان بر یک مشکل سیاستی فائق آمد.

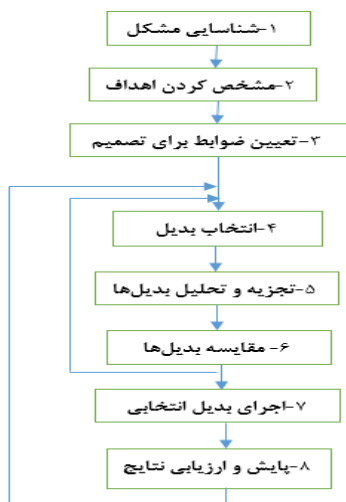
ب - پیش بینی؛ اطلاعاتی را در زمینه نتیجه اتخاذ گزینه‌های سیاستی در اختیار ما قرار می‌دهد که ممکن است گاهی این‌گونه سیاست‌گذاری شود که هیچ عملی صورت نگیرد.

ج - توصیه (هنجار گذاری)؛ اطلاعاتی را درباره ارزش یا اعتبار نسبی این‌گونه نتایج آتی در دسترس ما قرار می‌دهد که به کمک آن می‌توان مشکلات را حل و فصل نمود.

د - باز بینی (توصیف)؛ اطلاعاتی را در مورد نتایج حاصل از گزینه‌های سیاستی در گذشته و حال ارائه می‌دهد.

ه - ارزیابی؛ اطلاعاتی را فراهم سازد که پیرامون ارزش یا اعتبار نتایج در حل یا کاهش مشکلات است (وندز، ۲۰۰۹، ۲۰).

رویه‌های پنج‌گانه تحلیل خط‌مشی به‌مانند ابزاری برای نظم بخشیدن به روش‌ها و شیوه‌های مخصوص تحلیل خط مشی به کار برده خواهند شد. روش‌های تحلیل خط مشی، به رویه‌های کلی گفته می‌شوند که برای ایجاد و انتقال اطلاعات سیاستی در موقعیت‌های مختلف مورد استفاده واقع خواهند شد (دان، ۲۰۱۲). برخی دیگر از تحلیل‌گران رویه‌های خط مشی را به مراحل دیگر تقسیم کرده‌اند (بوتس، ۲۰۱۳، ۱۰۳).



نمودار ۱- فرایند تحلیل خط مشی (بوتس، ۲۰۱۳، ۱۰۳)

۱-۲-۴- ساختار دهی و صورت بندی قانون پذیرش دانشجو

به گفته آرون ویلداوسکی خلاقیت در تحلیل سیاست‌ها منوط به یافتن مشکلاتی است که در مورد آن‌ها کاری می‌تواند و باید انجام شود، توصیف و تعریف مشکل بخشی از راه حل است (ویلداوسکی، ۱۹۷۸، ۳). مشکلی که به‌خوبی تنظیم و تدوین شده باشد، مشکلی است که نیمی از آن حل گشته است. با سازمان دادن مشکلات می‌توان به دانش مرتبط با خط مشی دست یافت. چنین دانشی فرضیات اصلی تعریف مشکلات را، که از طریق تهیه دستور کار وارد فرایند خط مشی‌گذاری شده‌اند، به چالش می‌طلبد. سازمان دادن مشکل می‌تواند به ما در آشکار سازی فرضیات مکتوم، تشخیص علت‌ها، بازنمایی اهداف ممکن، ترکیب نظرات متضاد و طرح انتخاب‌های سیاستی جدید کمک کند (دان، ۲۰۱۲). مشکلات همواره نقطه شروع و تمرکز نهایی تجزیه و تحلیل خط مشی عمومی هستند، علت شکست بیشتر تحلیل‌گران خط مشی به‌خاطر تدوین و فرموله کردن اشتباه مسأله است تا انتخاب یک راه حل اشتباه (داون، ۱۹۸۸، ۷۲۰). ساختار بندی مشکل شامل حداقل دو فرایند مجزا است؛

جریان سیاسی (فرایند سیاسی)؛ هدف «جریان های سیاسی» درک درست از احساس مسائل عمومی، شناسایی، مفهوم‌سازی و تعریف توسط بازیگران مختلف است، به همین دلیل شرایط

اجتماعی خاصی را که باعث تعریف آن به عنوان مشکلات عمومی گردیده و دلایل و پیامدهای مختلف تعریف یا تدوین مسائل عمومی را تبیین می نماید (استون، ۲۰۰۲ و روچفورت، ۱۹۹۴ و دری، ۱۹۸۴).

جریان خط مشی (فرایند شناختی): در مقابل، رویکرد دوم (جریان خط مشی) عملی تر و هدف از آن ارائه صورت بندی دقیق مشکلات عمومی به گونه ای که مشکل می تواند به طور مؤثر و کارآمد حل شود. اگر چه جریان خط مشی نیز شامل تجزیه و تحلیل روش های مختلف ذهنی مشکلات می شود، انگیزه اصلی پشت فعالیت ها در جریان خط مشی کمک به پیدا کردن (از طریق صورت بندی دقیق مشکل) راه حلی برای یک مسئله عمومی است و درک نمی شود که چرا یک مسئله عمومی خاص دقیقاً در این راه توسط بازیگر خاص تعریف شده است (وسلی، ۲۰۰۷، ۸۰). این مهم است که این دو رویکرد متناقض نبوده و نسبتاً مکمل هم هستند. برخی از نویسندگان در واقع با ترکیب این دو روش، در فهم و کمک موثر به تدوین مشکلات عمومی موفق بوده اند (هوپ، ۲۰۰۲، ۳۰۵).

جدول ۳- جنبه ها و سؤالات مطرح در تشخیص مشکل (دیسن، ۲۰۱۳، ۶۵)

سؤالات	جنبه ها
درک مشکل: اهداف، علت عدم دستیابی به اهداف، جدی بودن اوضاع، گزینه های خط مشی، نفوذ بیرونی، آگاهی از سازوکارهای تأثیرگذار بر مشکل. بررسی دسترسی به دانش: میزان بینش های مهم بررسی عدم اطمینان مربوطه	جنبه های اساسی
بازیگران مربوطه چه کسانی هستند، مرز قلمرو خط مشی کجاست؟ ادراک، سیستم های اعتقادی، منافع آنها چه هستند؟ تفاوت آن ها در چیست؟ دانش، ارزش بحث به چه حدی است؟ / وابستگی های متقابل بازیگران و روابط قدرت، قدرت وضوح در شبکه چگونه است؟ نوع تعارض: (آیا تعارض در مورد منافع، منابع بخش پذیر، یا در مورد ارزش های اساسی تر است؟ و انتخاب هر یک از گزینه ها به نفع یا ضرر چه کسی است؟)	بازیگران و ویژگی های شبکه
وجود و سخت گیری قوانین رسمی / سطح موفقیت (عدم موافقت) در مورد رویه های تصمیم گیری تفاوت در قوانین رسمی، روش های جاری، ارزش ها؟ درجه پیروی و اعتماد در مقابل رفتار استراتژیک و نزاع. باز بودن شبکه / تنوع / نوسانات اوضاع	ویژگی های نهادی

۱-۲-۱-۴- احساس مشکل

پیش نیاز و نقطه شروع ساختار دهی مشکل احساس موقعیتهای مشکل آفرین است. موقعیتهای مشکل آفرین اشاره به نگرانی‌ها، نشانه‌های به‌وجود آمده در احساس خط مشی گذاران، ذی نفعان و شهروندان است (دون، ۲۰۱۲).

در بند ج ماده ۴۸ برنامه چهارم توسعه به‌صراحت آمده است: اتخاذ تدابیر لازم در جهت اصلاح نظام آموزش کشور و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها با توجه به سوابق تحصیلی در سنوات دوره متوسطه و جلب مشارکت دانشگاه‌ها به‌منظور ارتقای توانایی خلاقیت، نوآوری، خطرپذیری و کارآفرینی آموزش‌گیرندگان و ایجاد روحیه آموختن و پژوهش مستقل در میان نسل جوان. با توجه به ناکامی تعداد زیادی از متقاضیان در ورود به دانشگاه‌ها و در نتیجه نگرانی‌هایی که در این رابطه ایجاد شد، باعث واکنش خط مشی گذاران، کارشناسان و شهروندان گردیده‌است.

۱-۲-۲-۴- جستجوی مشکل

الف- سیاست گذاران؛ مسئله عمومی، فقدان ساختار سیاست‌گذاری منسجم، فشار روحی و روانی بر دانش‌آموزان و خانواده‌ها به‌دلیل یک مرحله‌ای بودن کنکور، کاهش سطح یادگیری دانش‌آموزان به‌دلیل اولویت‌بخشی آنان به روش‌های تست‌زنی و فساد در نظام‌های اجرایی برگزاری کنکور است.

ب- تکنوکرات‌ها؛ مسئله عمومی (ناهماهنگی و نداشتن سیاست منسجم در موضوع پذیرش دانشجو) است. در این رویکرد، نظام‌های چندگانه تصمیم‌گیر، ضوابط متفاوت، برنامه‌ریزی‌های ناهمگون، نظارت نامناسب و... از جمله مسائلی است که پیش‌روی نظام پذیرش دانشجو می‌باشد (قلی‌پور و غلام‌پور، ۱۳۸۹).

ج- کارشناسان؛ مسئله عمومی آسیب بر آموزش و پرورش، آسیب بر سلامت جسمانی و روانی دانش‌آموزان و خانواده‌ها، آسیب اقتصادی، نوع یادگیری دانش‌آموزان، آسیب اجتماعی و فرهنگی می‌باشد (شجاعی، ۱۳۸۴ و کیا، ۱۳۸۵).

د- دانش‌آموزان و واجدین شرایط متقاضی ورود به دانشگاه؛ عدم پذیرش در دانشگاه باعث هدر رفت عمر، نداشتن برنامه جایگزین موجب سردرگمی، استرس، فشار روحی و روانی می‌شود و اعزاز مشمولین به خدمت سربازی باعث عدم قبولی در دانشگاه در سال‌های آتی خواهد گردید.

ه- خانواده متقاضیان؛ قبولی فرزندان گاهی باعث کسب جایگاه اجتماعی می‌گردد. عدم پذیرش

موجبات فشار روحی، استرس، تبعات اقتصادی و اجتماعی و نداشتن مدرک دانشگاهی موجب عدم اشتغال در آینده را به دنبال خواهد داشت.

۳-۱-۲-۴ - فرا مشکل

در بین مشکلاتی که از نظر ذی نفعان مختلف مطرح نمودند به نظر می رسد توسعه آموزش عالی به عنوان فرا مشکل مطرح می باشد.

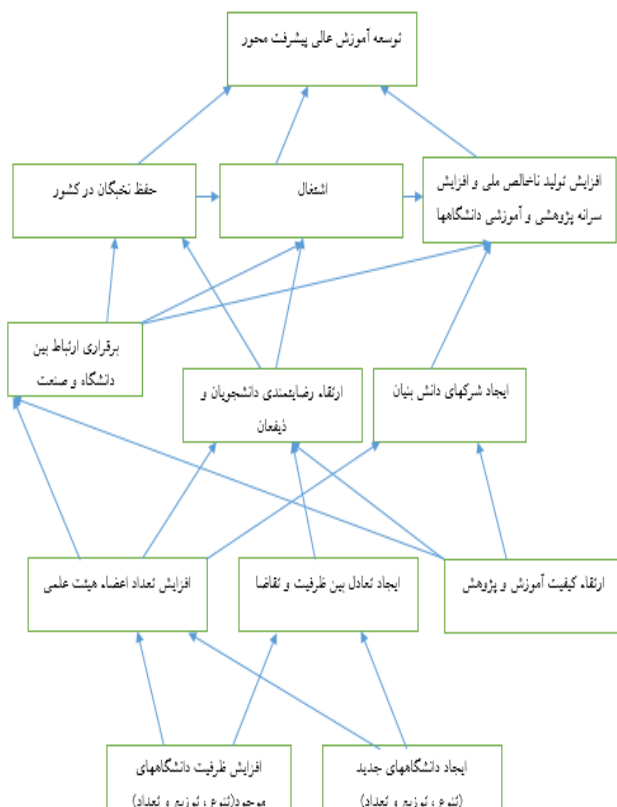
مشکل اساسی ظرفیت پذیرش دانشجو است که با تعداد متقاضیان همخوانی ندارد لذا پذیرش به هر صورت که باشد چه رقابتی یا حد نصابی یا آزاد مشکل اصلی به قوت خود باقی خواهد ماند و مشکلات فرعی عنوان شده در منظر ذی نفعان (مشکل عمومی) حل نخواهد گردید. لذا ناکافی بودن ظرفیت دانشگاهها برای پذیرش دانشجو به عنوان مشکل اساسی می باشد.

۴-۱-۲-۴ - ویژگی های مشکل

پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، آموزشی عدم پذیرش متقاضیان، بیکاری فارغ التحصیلان، فرهنگ مهاجرت نخبگان، تفاوت سطح آموزش در داخل و خارج کشور، عدم ارتباط صنعت و دانشگاه، کیفیت آموزش، کیفیت پژوهش، منابع مالی.

۵-۱-۲-۴ - مشکل رسمی

ویلیام دان، گذشته از تقسیم الگوها از نظر اهداف به تجویزی و توصیفی، آن ها را از نظر نحوه بیان به لفظی، نمادین (مانند نمادهای ریاضی و فرمولی) و شبیه ساز (مانند درخت تصمیم) تقسیم می کند. که می توان نمودار مشکل رسمی را با در نظر گرفتن ابعاد و ویژگی ها مشکل و طرح تیسن و قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه به شکل زیر ترسیم نمود که تأمین منابع مالی اولین گام در توسعه آموزش عالی می تواند باشد (دیسن، ۲۰۱۳، ۶۵).



نمودار ۲- تحلیل مشکل قانون جذب دانشجو بر اساس جنبه‌های اساسی، ویژگی‌های شبکه و نهادی

۴-۲-۲- پیش بینی

اطلاعاتی را در زمینه نتیجه اتخاذ گزینه‌های سیاستی در اختیار ما قرار می‌دهد که ممکن است گاهی این‌گونه سیاست‌گذاری شود که هیچ عملی صورت نگیرد. با توجه به موارد مطرح در این قانون عدم شناسایی مشکل اصلی راه حل انتخاب را با مشکل مواجه نموده و قانون مصوب سال ۸۶ اجرایی نگردید. براساس قانون اهداف و وظایف وزارت علوم و تحقیقات مصوب ۱۳۸۳ در جزء ۱ بند ب از ماده ۲ پیشنهاد ضوابط و معیارهای کلی پذیرش دانشجو به مراجع ذیصلاح را از جمله مأموریت‌های

اصلی و حدود اختیارات وزارت یاد شده ذکر کرده است. قابلیت اجرای قانون با توجه به عضویت معاونین آموزش مبادی ذی ربط امکان تحقق بیشتری می‌یابد. ایجاد بستر لازم جهت اجرایی شدن نیازمند زمان است و صرفاً در صورت تهیه سوابق تحصیلی برابر ماده ۱۰ قانون از سال تحصیلی (۱۳۹۴ - ۱۳۹۳) این قانون لازم الاجرا خواهد بود. برخی از مشکلات فرعی به وجود آمده از نظام پذیرش دانشجو در حوزه‌های اقتصادی؛ اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به قوت خود باقی بماند و مشکلات دیگری مثل دبیرستان کاذب، قدرت واهی دبیرستان و انتقال استرس را موجب گردد و قانون جدید صرفاً نحوه پذیرش را از صرف رقابتی به رقابتی - حد نصابی تغییر خواهد داد و مشکل هم‌چنان به قوت خود باقی خواهد ماند.

۳-۲-۴ - توصیه (هنجارگذاری)

اطلاعاتی را درباره ارزش یا اعتبار نسبی این‌گونه نتایج آتی در دسترس ما قرار می‌دهد که به کمک آن می‌توان مشکلات را حل و فصل نمود. افزایش ظرفیت نیازمند منابع مالی است که این سرمایه‌گذاری می‌تواند برگشت‌پذیر باشد. ارتقاء کیفیت آموزش و پژوهش می‌تواند لنگرگاه توسعه باشد لذا هم‌زمان با افزایش ظرفیت بایستی ارتقاء کیفیت نیز مد نظر قرار گیرد. این قانون با توجه به انتخاب یک راه حل با روش تدریجی نمی‌تواند یک راه حل بهینه جهت دستیابی به اهداف باشد. با اجرای این قانون شیوه پذیرش تغییر و مشکلات مطرح در احساس مشکل به قوت خود باقی خواهد ماند. به نظر می‌رسد راه حل‌های دیگری که بتواند توسعه آموزش عالی را در پی داشته باشد که مورد تأکید در قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه است می‌تواند راه‌گشا باشد.

۴-۲-۴ - باز بینی^۲

اگر شاخص‌ها، در «اندازه‌گیری» اثرات فعالیت‌های در حال انجام تا حد امکان عملیاتی باشند پایش می‌تواند به عنوان رویه ارزیابی (در حال انجام) به منظور شناسایی (توصیفی) و تسهیل کننده‌ای شایسته مورد نظر باشد (پیترز، ۲۰۰۵، ۳۴۹). اگر پروژه محرمانه نیست، دیگران (غیرحرفه‌ای‌ها و هم‌چنین کارشناسان) باید برای تجزیه و تحلیل ناسازگاری و تناقض منطقی، خطاهای ریاضی و امکان‌سنجی سیاسی مشارکت داده شوند، وظایف و مسئولیت‌ها باید اختصاص داده شود و برنامه‌های پیشی و ارزیابی سیاست‌های اجرا باید ساخته شود.

تحلیل‌گران به‌جای رانندگی در خصوص طراحی اتوبوس صحبت می‌کنند از سوی دیگر، تحلیل‌گر سیاست باید در بازیابی و نگهداری، پایش و ارزیابی اجرای سیاست درگیر شود. استفاده از دانش کسب شده از شکست‌های قبلی، اندازه‌گیری تأثیر اجرای سیاست‌ها با آنچه قبلاً ترسیم شده و تصمیم در خصوص ادامه، اصلاح یا فسخ خط مشی از طریق پایش محقق می‌گردد. مهم این است که تحلیل‌گر درک کند که سیاست می‌تواند به علت عدم اجرای برنامه از قبل طراحی شده و یا عدم دستیابی به نتایج مورد انتظار منجر به شکست گردد (پتون و سویسکی، ۱۹۹۳).

بازبینی، دانش مرتبط با سیاستی را در زمینه نتایج سیاست‌گذاری‌های اقتباس شده پیشین، در اختیار سیاست‌گذاران قرار خواهد داد و به‌این ترتیب به آن‌ها در مرحله اجرای سیاست کمک خواهد کرد. بسیاری از سازمان‌ها به‌طور مرتب نتایج و تأثیرات سیاست‌ها را بازبینی و نظارت می‌کنند که این بازبینی به وسیله شاخص‌های سیاستی مختلفی در زمینه‌های سلامتی، آموزش، مسکن، رفاه، جرم و علم و فن‌آوری صورت می‌گیرد (مکراعی، ۱۹۸۵). به کمک بازبینی می‌توان به میزان پیروی خط مشی از اهداف از پیش تعیین شده پی‌برد، پیامدهای ناخواسته سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها را آشکار ساخت، موانع و حد و حصرهای اجرایی را تشخیص داد، و منبع مسئول انحراف سیاست‌ها را معین کرد. غفلت از پایش نتایج یک سیاست مانند شمارش مقدار بنزین مصرف شده خودرو بدون در نظر گرفتن فاصله طی شده است (دان، ۲۰۱۲).

در دومین مرحله از این رویکرد که انتخاب یک خط مشی اساسی است دو مرحله وجود دارد یکی مشخصات سیاست و دیگری شناسایی شرایط اصلی مورد نیاز برای موفقیت خط مشی که در مرحله سوم برای راه‌اندازی یک سیستم پایش برای ارائه پیش‌هشدار در مورد تغییر شرایط و امکان شکست سیاست استفاده می‌شود. نقطه شروع برای شناسایی علائم راهنمایی مجموعه‌ای از آسیب‌پذیری‌ها و فرصت‌های مشخص شده در مرحله سوم است.

جدول ۴- آسیب پذیری نامشخص (عدم اطمینان)، فرصت‌ها و پاسخ به آن‌ها در قانون پذیرش دانشجو

آسیب پذیری‌ها و فرصت‌ها	اقدامات مصون ساز و اقدامات شکل دهنده
افزایش تقاضا ورود به دانشگاه‌ها بیشتر از رشد مورد نظر کاهش تقاضا برای ورود به دانشگاه خروج دانشجویان از کشور ظهور دبیرستان‌های کاذب	H: ارتقا ظرفیت برخی از دانشگاه‌ها از قبیل پیام نور Sh: تبلیغات برای ورود دانشگاه‌ها و ایجاد قابلیت برای پذیرش دانشجو از کشورهای دیگر H: آمادگی برای انطباق برخی از دانشگاه‌ها با معیارهای بین‌المللی Sh: توسعه یک رابطه نزدیک با دبیرستان‌ها و ارزیابی آن‌ها و همچنین طراحی آزمون منسجم و سراسری
انتقال استرس به دبیرستان افزایش بار اقتصادی کلاس‌های تقویتی و هزینه برخی مدارس عدم تأمین اعتبار مورد نیاز جهت افزایش ظرفیت	Sh: مذاکره و سرمایه‌گذاری برای ایجاد تحول فرهنگی Sh: افزایش مهارت‌های دانش‌آموزان و ارائه مشاوره‌های لازم H: ارتقا سطح عملکرد دبیرستان‌ها با بهبود مستمر در توانمندی عوامل (محتوا، دبیران و وسائل کمک آموزشی) SH: فراهم نمودن مشارکت بخش خصوصی

جدول ۵- آسیب پذیری محتمل و فرصت‌ها و پاسخ به آن‌ها در قانون پذیرش دانشجو

آسیب پذیری‌ها و فرصت‌ها	اقدامات کاهنده آثار، اقدامات شکل دهی و اقدامات نگهدارنده
قابلیت دسترسی به سوابق تحصیلی	M: تصمیم‌گیری سریع در شورا در خصوص دانشجویان فاقد سابقه Sh: توسعه سیستم ارزشیابی تحصیلی برای کل دانش‌آموزان کشور
مقاومت ذی‌نفعان (به عنوان مثال: سازمان سنجش و آموزش پرورش)	M: برگزاری آزمون ورودی پذیرش دانشجو از طریق سازمان سنجش M: ارائه کمک‌های مالی به وزارت آموزش و پرورش جهت تدارک لازم جهت ارزشیابی سراسری
تمرکز بر پذیرش در برخی از رشته‌های خاص	SZ: طراحی و پیاده سازی برنامه‌ای برای انتقال دانشجو به رشته‌های مورد نیاز با توجه به ملاحظات تنوع، تعداد و ظرفیت
ظهور نسل جدید دانشگاه	SZ: افزایش تنوع تعداد و ظرفیت با محور توسعه واقعی
افزایش کلاس‌های تقویتی برای دروس دبیرستان	SZ: ارتقاء دانش دانش‌آموزان با توجه به اهداف کلی تدریس

۵-۲-۴- ارزیابی

ارزیابی تفاوت بین عملکرد مورد انتظار و واقعیت است. با توجه به اهداف اولیه این قانون که در راستای کاهش تبعات اجتماعی، اقتصادی و آموزشی به تصویب رسید انتظار می‌رود که پس از اجرای این قانون شاهد کاهش آسیب بر آموزش و پرورش کشور، کاهش آسیب بر سلامت جسمانی و روانی دانش آموزان و خانواده‌ها، تقلیل آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از قبیل؛ حذف نگرانی و تنش اجتماعی و خانوادگی، کاهش مدرک‌گرایی و بهای بیش از حد به تحصیلات دانشگاهی و قبولی در کنکور، جلوگیری از رواج برخی مهارت‌های کاذب مانند تست زنی، کاهش فاصله طبقاتی و پذیرش همه دانش‌آموزان متقاضی تحصیل در دانشگاه‌ها باشیم. با نگاهی واقع‌بینانه به قانون مصوب می‌توان دریافت که صرفاً با تغییر شیوه پذیرش امکان حذف یا تقلیل آسیب‌ها و نگرانی‌های مطرح ممکن نخواهد بود. این قانون در کوتاه مدت قابلیت اجرا ندارد چرا که بستر لازم برای اجرای آن فراهم نیست و از طرفی مشکل اصلی در راستای کلان مشکل شناسایی نگردیده است. با بررسی فرایند سیاست‌گذاری قانون مصوب ۱۳۹۲ با توجه به اینکه این قانون با قوانین و نظام پیشین پذیرش دانشجو تفاوت زیادی ندارد (قانون ۱۳۸۶)، از این رو می‌توان فرایند سیاست‌گذاری را تدریجی دانست و الگوی مورد استفاده با توجه به رضایت نسبی جامعه هدف مدل رضایت‌بخش بوده و در اجرا از مدل باز تصمیم‌گیری استفاده و با توجه به دخالت بوروکرات‌ها و برخی گروه‌های ذی‌نفع در فرآیند تدوین و تصویب از راه‌های چون روش‌های گروهی و تشکیل ائتلاف را در این فرآیند مشاهده می‌کنیم. براساس قانون اهداف و وظایف وزارت علوم و تحقیقات مصوب ۱۳۸۳ در جزء ۱ بند ب از ماده ۲ «پیشنهاد ضوابط و معیارهای کلی پذیرش دانشجو به مراجع ذی‌صلاح را از جمله مأموریت‌های اصلی و حدود اختیارات وزارت یاد شده ذکر کرده است لذا وزارت علوم و تحقیقات متولی اصلی در خصوص تعیین و پیشنهاد ضوابط و معیارهای کلی پذیرش دانشجو به مراجع ذی‌صلاح می‌باشد که عدم اقدام به موقع باعث احساس مشکل به صورت عمومی و سیر تصویب قانون مذکور را در پی داشته است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد مسئله عمومی یعنی فقدان ظرفیت کافی در نظام پذیرش دانشجو برای سنجش دانش

و توانایی حقیقی داوطلبان و سازمان‌دهی آنان در رشته‌های تحصیلی مرتبط، چند بعدی است که یک بعد آن به‌روش آزمون فعلی بر می‌گردد. علت این‌که سیاست‌های تدوینی و تصویبی در حوزه پذیرش دانشجو نتوانسته نظامی جامع برای این حوزه تعریف کند در ناقص بودن فرآیند سیاست‌گذاری به شرحی که گذشت می‌باشد به این معنا که مسئله و مشکل عمومی به درستی شناسایی نشده است و زمانی که تشخیص مسئله صحیح نباشد راه حل‌ها با مسئله سازگاری نخواهد داشت. همچنین سیاست‌های وضع شده از روش علمی مشخص و معینی تبعیت نمی‌کند و به صورت کثرت‌گرا بدون در نظرگیری مبنای نظری خاص، تعریفی از مسئله و راه حل‌ها ارائه می‌شود. ابزارهای اجرای سیاست یا تعریف و تعیین نشده و یا از کارایی لازم در کاربرد برخوردار نیست. عضویت سه نفر از معاونان آموزشی وزارتخانه‌های ذی‌ربط و سه نفر از رؤسای دانشگاه‌ها قابلیت اجرا قانون را افزایش می‌دهد. ایجاد بستر لازم جهت اجرایی شدن نیازمند زمان است و صرفاً در صورت تهیه سوابق تحصیلی برابر ماده ۱۰ قانون از سال تحصیلی (۱۳۹۴ - ۱۳۹۳) این قانون لازم الاجرا خواهد بود. به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت موجود حتی در صورت اجرای این قانون مشکل در کوتاه مدت حل نخواهد گردید چون همان‌گونه که گفته شد این مشکل چند بعدی می‌باشد و نیازمند تدابیر لازم در همه حوزه‌ها خواهد بود. برخی از مشکلات فرعی به‌وجود آمده از نظام پذیرش دانشجو در حوزه‌های اقتصادی؛ اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به قوت خود باقی بماند و مشکلات دیگری مثل دبیرستان کاذب، قدرت توهم‌زای دبیرستان و انتقال استرس را موجب گردد و قانون جدید صرفاً نحوه پذیرش را از صرف رقابتی به رقابتی - حد نصابی تغییر خواهد داد و مشکل هم‌چنان به قوت خود باقی خواهد ماند. ایجاد ظرفیت لازم با توجه به آمایش سرزمینی (تنوع، توزیع و تعداد)، تأمین منابع مالی لازم، توسعه و رشد متوازن کمی و کیفی آموزش، توسعه و رشد متوازن کمی و کیفی پژوهش‌ها، توسعه و ترویج تفکر خلاق و راهبردی فردی و گروهی در تشخیص و حل مسائل و نیازهای اساسی کشور، توجه جدی به رفع نیازهای اساسی و مشکلات مهم کشور در برنامه‌ریزی‌های علمی و توسعه نظام رتبه بندی، هم‌سو ساختن سیاست‌های توسعه صنعتی و اقتصادی با سیاست‌های ملی نوآوری، فناوری و علم، شناسایی، هدایت، پرورش، جذب و به‌کارگیری استعدادهای درخشان و ایجاد بسترهای مناسب جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های نخبگان و استفاده از توانایی‌های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج و جذب متخصصان و محققان برجسته سایر کشورها، افزایش سهم نوآوری‌های

مبتنی بر فناوری در تولید ناخالص داخلی، تعامل سازنده با مراکز پیشرفته علمی و فناوری جهان، توسعه علم، فناوری و نوآوری با هدف افزایش اقتدار ملی، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان و ایجاد زمینه اشتغال از ارکان اصلی توسعه آموزش عالی پیشرفت‌محور محسوب و جهت تحقق آن توجه به این سیاست‌ها پیشنهاد می‌گردد. امید است که با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و شناسایی خلأهای موجود با تفکر سیستمی و استراتژیک بتوان اقدام مناسبی با در نظر گرفتن همه ابعاد مشکل جهت اجرایی نمودن قانون پذیرش دانشجو به بهترین نحو عمل نمود.

۶- پی‌نوشت‌ها

1- A Research-Policy Analysis

2- Reviewe

۷- منابع

- [۱] آسمیت، کوین بی. لاریمر، کریستوفر دابلیو (۱۳۹۲)، درآمدی بر نظریه خط مشی گذاری عمومی (تقابل نظری عقلانیت گراها و فرا اثبات گراها)، مترجم دانایی فرد، حسن، انتشارات صفار، تهران
- [۲] اولیاء، محمد صالح (۱۳۷۸)، مدیریت کیفیت جامع (TQM) و جایگاه آن در آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۸، صفحه ۴۸-۲۷
- [۳] بازرگان، عباس (۱۳۷۷)، آغازی بر ارزیابی کیفیت در آموزش عالی ایران: چالشها و چشم اندازها، مترجم: حاتمی، داود، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، بهار و تابستان - شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۲۵ - ۱۳۸
- [۴] حجازی، مهدی (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی و تحلیلی نظام گزینش دانشجو در کشور ایران و ممالک توسعه یافته) ژاپن، آلمان، انگستان (به منظور ارائه الگوی مناسب پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۵] دفتر امور زیربنایی (۱۳۸۰)، پذیرش و گزینش دانشجو در ایران و چند کشور منتخب، معاونت پژوهشی مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۶۲۳۴
- [۶] رحیمی، حسین، آقابابا، ابوالفضل (۱۳۸۴)، آشنایی با نظام جامع گزینش دانشجو در آزمون سراسری تهران: راه دانشگاه، شماره ۲۵.
- [۷] روشن، احمد (۱۳۸۹)، بهینه‌یابی ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های دولتی ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۸، ۹۷-۱۱۵

- [۸] شجاعی، محمدرضا (۱۳۸۴)، بررسی نظام پذیرش دانشجو در کشور و ارائه الگوی پیشنهادی (مشمول بر بررسی تطبیقی، گزارش توجیهی و طرح پیشنهادی)، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۷۶۲۴
- [۹] عرب مازار، علی اکبر (۱۳۷۱)، نگرش سیستمی به مسائل آموزش عالی ایران. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی.
- [۱۰] قلی پور، رحمت الله، آقا بزرگی، ملکه (۱۳۸۶)، گزارش بررسی پیش نویس لایحه گزینش دانشجو در ایران، کمیته آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۶۶۴۲
- [۱۱] قلی پور، رحمت الله، غلام پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۹)، فرایند سیاستگذاری عمومی در ایران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
- [۱۲] قورچیان، نادرقلی، آراسته، حمیدرضا، جعفری، پریش (۱۳۸۳)، دایره المعارف آموزش عالی، تهران: بنیاد دانش نامه بزرگ فارسی، جلد دوم.
- [۱۳] کیا، علاءالدین، بزرگی، کوروش (۱۳۸۵)، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۸۲۴۷
- [۱۴] مجتهدی، زهرا (۱۳۷۳)، بررسی رابطه بین شیوه فعلی گزینش دانشجو و موقعیت در دانشگاه پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۱۵] نیک نژاد، عبدالحسین (۱۳۸۱)، دانشگاه ویژه روشی نو در پذیرش دانشجو، مجموعه مقالات سمینار بررسی روش ها و مسائل آزمون های ورودی دانشگاه ها، انتشارات دانشگاه اصفهان.

- [۱۶] Bots, P.W. (2013), Designing the Policy Analysis Process, in Public Policy Analysis. Springer. p. ۱۰۳-۱۳۲.
- [۱۷] Crosby, P. B. (1979); Quality is Free; McGraw-Hill, New York, NY.
- [۱۸] Dery, David. (1984). Problem Definition in Policy Analysis. Lawrence: University Press of Kansas.
- [۱۹] Dye, Thomas R, (2005), Understanding public policy .
- [۲۰] Dunn, E.M. & Salem, B.S. (2001), State College M.B.A, Suffolk University, Policy Implement Action Of Admissions Standards in State Colleges in Massachusetts.
- [۲۱] Dunn, W.N. (1988), Methods of the Second Type: Coping with the Wilderness of Conventional Policy Analysis. Policy Journal, 7(4), 720-737.
- [۲۲] Dunn, W.N.(2012), Public policy analysis: An introduction. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- [۲۳] Ermer, D. S.(1995); "Using the QFD Becomes an Educational Experience for Students and Faculty": Quality Progress, pp. 131-136.

- [۲۴]FarukÜnal, O.(2000); Application of Total Quality Management in Higher Education; Institution Qafaz University.
- [۲۵]Feigenbaum, A. V. (1951); Quality Control: Principles, Practice and Administration; McGraw-Hill, New York, NY.
- [۲۶]Fischer, F. and G.J. Miller,(2006), Handbook of public policy analysis: theory, politics, and methods. crc Press.
- [۲۷]Harman, G.(1994).Student Selection and Admission to Higher Education: Policies andPractices in the Asian Region, Higher Education, Vol.27, No.3.
- [۲۸]Hewitt, F. and Clayton (1999); “Quality and Complexity: Lessons from English Higher Education”; International Journal of Quality & Reliability Management, Vol. 16, No. 9, pp. 838-858.
- [۲۹]Hoppe, Robert. (2002), Cultures of Public Policy Problems. Journal of Comparative Policy Analysis 4 (3): 305–326.
- [۳۰]Hwarng, H. B. and C. Teo (2001); “Translating Customer’s Voice in to Operations Requirement: A QFD Application in Higher Education”; International Journal of Quality and Reliability Management, Vol. 18, No. 2, pp. 195-225.
- [۳۱]Juran, J. M. and F. M. Jr. Gryna (1988); Juran’s Quality Control Handbook; Mc Grow-Hill, New York, NY.
- [۳۲]Kraft, Michael E.(2003), Public policy : politics, analysis, and alternatives.
- [۳۳]MacRae, Duncan Jr. , (1985), Policy Indicators: Links between Social Science and Public Debate, Chapel Hill. NC: University of North Carolina Press.
- [۳۴]Parasuraman, A., V.A. Zeithaml and L.L. Berry (1985); “A Conceptual Model of Service Quality and its Implications for Future Research”; Journal of Marketing, Vol. 49, No. 4, pp. 41-50.
- [۳۵]Patton, C.V. and D.S.(1993), Sawicki, Basic methods of policy analysis and planning.
- [۳۶]Peters, Guy, B. (2005). The Problem of Policy Problems. Journal of Comparative Policy Analysis 7 (4): 349–370.
- [۳۷]Peters, T. J. and R. H. Waterman (1982); In Search of Excellence; Harper & Row, New York, NY.
- [۳۸]Rocheftort, David A., and Roger W. Cobb, eds.(1994)Problems of Problem Definition: Shaping the Policy Agenda. Lawrence, KS: University Press of Kansas.
- [۳۹]Rowley, J. (1997); “Beyond Service Quality Dimensions in Higher Education”; Quality Assurance in Education, Vol. 5, No. 1, pp. 7-14.
- [۴۰]Stone, Deborah. (2002). Policy Paradox. The Art of Political Decision Making. New York, N.Y.: W. W. Norton & Company.
- [۴۱]Tang, K. H. and M. Zairi (1998); “Benchmarking Quality Implementation in a Services and Institutions of Higher Education-part iii”; Total Quality Management, Vol. 9, No. 8, pp. 668-679.

- [۴۶]Thissen, W.A.(2013), Diagnosing Policy Problem Situations, in Public Policy Analysis, Springer. p. 65-101.
- [۴۷]Tilak, Jandhgala,(2000), Higher Education in Developing Country, Book Review Minerva, Vol._38.
- [۴۸]Tonderai, Michael, (2004), Widening Access in Higher Education in Zimbabwe, HigherEducation Policy, Vol. 20, Iss.2,
- [۴۹]van der Lei, T.E.(2009), Relating actor analysis methods to policy problems. Technology Policy and. p20
- [۵۰]Vesely, A. (2007), Problem delimitation in public policy analysis. Central European Journal of Public Policy, (1): p. 80-100.
- [۵۱]Walker, W.E., V.A. Marchau , and J.H. Kwakkel,(2013), Uncertainty in the framework of policy analysis, in Public Policy Analysis. Springer. p. 215-261
- [۵۲]Wildavsky, Aaron, (1978), Speaking Truth to Power: The Art and Craft of Policy Analysis (Boston: Little, Brown, p.3.